

# شرق

روز پنجشنبه آتش‌سوزی بزرگی در بندر بیروت رخ داد و وحشت جدیدی را در میان ساکنان ایجاد کرد، عکس: Hussein Malla, AP



### تلواسه‌های کرونابی

## پدر مهربان

حکایت جالبی دیدم. «مرد خسیسی بود که دوست نداشت هیچ چیز را دور بیندازد. وقتی داشت می‌مرد به زنش گفت: خوشحالم که هیچ چیز را دور نریختم. زن گفت راست می‌گویی، تو فقط یک چیز را دور ریختی، آن هم زندگی‌ات بود».

وقتی برای خانم تعریف کردم، گفت: ناراحت نشوی، وصف‌الحال خودته!».

دوستی قدیمی را در خیابان دیدم. ایستادیم و با فاصله با هم سلام و احوال‌پرسی کردیم و از پشت ماسک‌های بی‌قواره لبخند زدیم. گفت: «فلانی من آن حرفت را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم. نوشته‌ام و زده‌ام به اتاقم».

با خنده گفتم: «کدام را می‌گویی من خیلی افاضات می‌فرمایم». گفت: «همان که گفתי انجام هر کاری با اولین قدم شروع می‌شود». گفتم: «صحیح، من چنین چیزی گفته‌ام؟! این را که کنفیوس ۲۵۰۰ سال پیش از من گفته».

گفت: «چه سخن سنجیده‌ای. من کلی کار روی دستم مانده بود، نمی‌دانستم از کجا شروع کنم. با



محمود برآبادی

برای خودم کلی زونکن و پوشه دارم و ازآنجایی‌که خیلی با آرشیه‌های گردستی آشنایی ندارم، همه چیزهایی را که ممکن است در آینده به کارم بیاید، در پوشه خودش می‌گذارم و پوشه را هم داخل زونکن مربوطه قرار می‌دهم. اما مدتی است که تبدلی آمده سراغم و وقتی چیزی را می‌خواهم آرشيو کنم، می‌گذارم کنار و می‌گویم «فعلا باشه، سر فرصت».

«فعلا باشه» باعث شده کلی کاغذ و روزنامه و مطلب روی میزم جمع شود؛ به‌طوری‌که نمی‌توانم چیزی را که می‌خواهم، پیدا کنم؛ چون نمی‌دانم کجا گذاشته‌ام. کاری که با صرف یک دقیقه وقت انجام می‌شد، حالا باید کلی بگردم، آیا پیدا بشود یا نشود.

• کتاب «افسانه‌های چینی» را می‌خواندم.

• کتاب «افسانه‌های چینی» را می‌خواندم.

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ • ۲۳ محرم ۱۴۴۲ • ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۱۴ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۰ • اذان مغرب ۱۹:۳۴

اذان صبح فردا ۵:۲۱ • طلوع آفتاب ۶:۴۶

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

نور نوشت

۶۰ روز دیگر به انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده باقی مانده و بسیاری در ایران معتقدند این انتخابات و نتیجه‌اش تأثیر فراوانی بر سپهر سیاسی ایران دارد. این یک باور قدیمی است که بسیاری از سیاست‌پویان ایرانی و فعالان حوزه سیاست در ایران معتقدند این انتخابات بر مناسبات سیاسی ایران تأثیرگذار خواهد بود، اما با گذشت چندین و چند سال از ایجاد این باور و همچنین تأثیر و تأثرهایی که ایران و آمریکا بر هم داشته‌اند این موضوع تا چه میزان درست است و اساسا آیا انتخابات ۲۰۲۰ ایالات متحده آمریکا تأثیری بر فضای سیاسی ایران می‌گذارد که از قضا یک انتخابات ریاست‌جمهوری را در کمتر از یک سال دیگر در پیش دارد یا تغییر چندانی در وضعیت ایران پیش نمی‌آید؟

به نظرم اگر قرار بر این باشد که بابت رئیس‌جمهور ایالات متحده نگرانی وجود داشته باشد، این مسئله بیشتر از اینکه به رئیس‌جمهور بعدی آمریکا مربوط باشد، به رئیس‌جمهور فعلی ایران مرتبط است. به‌هرحال همه می‌دانیم که ترامپ شخصیت چندان متعارفی ندارد و واکنش‌های مبهمی دارد. حتی ممکن است در آخرین روزهای حضورش در مقام ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا دست به اقدامی عجیب و نامتعارف بزند تا به مدد چنین حرکات هیجانی‌ای برای خودش رای کسب کند و بتواند رقابت انتخاباتی را با پیروزی پشت سر بگذارد. من فکر می‌کنم بیشترین چیز در تحولات سیاسی آمریکا که ممکن است بر زندگی ما در ایران مؤثر باشد،

عمل به همین حرف بعد از مدتی دیدم همه کارهای زمین‌مانده‌ام تمام شده». گفتم «چه خوب، ولی دوست عزیز من خودم به آنچه گفتم عمل نکردم؛ چون کلی کار عقب‌افتاده دارم».

بعدازظهرها که برای پیاده‌روی به پارک نزدیک خانه‌ام می‌روم، پیرمردی را می‌بینم که با واکر به پارک می‌آید و روی نیمکتی نزدیک ورودی پارک می‌نشیند و با بیشتر افرادی که به پارک می‌آیند، سلام‌وعلیک می‌کند. من چند سالی است که او را می‌بینم. هر روز برایش دست تکان می‌دهم و او هم از دور لبخند می‌زند و می‌گوید: «چطوری پیرمرد؟» من هم در جواب می‌گویم: «خسته نباشی جوون!». اوایل با عصا می‌آمد و چند وقتی است که با واکر می‌آید. روی همان نیمکت می‌نشیند و مردم را نگاه می‌کند. دیروز که پارک رفته بودم، نیمکت خالی بود. تعجب کردم؛ چون تقریبا هر روز همان‌جا می‌نشست. روی نیمکت کاغذی دیدم. جلو رفتم. عکس پیرمرد بالای کاغذ بود، با یک نوار مشکی. پدري مهربان و همسری فداکار!

یکی از بی‌رونق‌ترین روزهای سینما می‌توانست دیروز باشد اگر نامه ۳۱۳ سینماگر منتشر نمی‌شد. ۳۱۳ سینماگری که در یک خط نوشتند: «ما سینماگران در روز ملی سینما خواهان برچیده‌شدن نظام سانسور و حذف هرنوع پروانه فیلم‌سازی هستیم». در ۱۲۰سالگی ورود سینما به ایران که تقریبا هیچ برنامه خاصی برای آن برگزار نشد. با مرور رسانه‌ها هم به نظر می‌رسد کمتر کسی از مسئولان به یاد روز سینما بوده باشد. روزی که اهالی سینما خیلی صمیمی و در اوج ناامیدی به خودشان تبریک گفتند و در گروه‌ها نوشتند: «روز سینمامون مبارک».

روزی که تنها یکی، دو رسانه یادشان بود که ۲۱ شهریور روز سینماست و روز پنجشنبه با یادداشت‌ها و مطالبی از آن یاد کردند. البته هنوز می‌توان امیدوار بود که شاید امروز رسانه‌های بیشتری به روز سینما و بزرگداشت آن بپردازند. روزی که حتی ایسنا با یکی از مورخان سینمایی گفت‌وگوی قبلی‌اش را منتشر



کرد که در آن گفته شد هیچ دلیلی برای انتخاب این روز برای بزرگداشت سینما نیست و شاید چون تقویم خلوت بوده، این روز انتخاب شده است.

روز ملی سینما در سالی که کرونا سبب شد بیشتر سالن‌های سینما خالی باشد و مردم در خانه با کمک اکران آنلاین اندکی از سینما یاد کنند، پشت سر گذاشته شد. چرا هیچ‌سک یاد روز سینما نبود؟ چرا این اتفاق افتاد؟ چرا مسئولان سازمان سینمایی حواستان نبود که یادکردن از ۱۲۰سالگی سینما می‌تواند سبب شود اندکی رونق به سینمای ایران بیاید؟ حتی مثل همیشه رسانه‌ها پر نشد از غرها و ناامیدی‌ها. انکار همه

مرداد و شه‌ریور منتشر شد. در این شماره پرنونده‌ای درباره مجسمه‌هایی که به زیر کشیده شد، با عنوان «سرها زسر دست‌ویا» و گفت‌وگویی قدیمی با خسرو سینایی با عنوان «حرفت را

بزن» و مقاله‌ای درباره ابعاد سیاسی جز آزاد درباره موسیقی سیاهان و مبارزه با رهایی منتشر شده است؛ اما زنان سرپرست خانوار در گزارش «فراموشی

سلام به فردا

## پاسخ به یک کلیشه درباره ایران و آمریکا

همین اقدامات رئیس‌جمهور فعلی آمریکا باشد تا هر چیز دیگری. وگرنه ما به خوبی می‌دانیم که با توجه به مناسبات داخلی در ایران، رئیس‌جمهور آمریکا هر کسی که باشد مذاکره‌ای با ایران صورت نخواهد گرفت. همچنین در طرف مقابل هم می‌دانیم که یکی از مهم‌ترین خواسته‌های سیاسی در آمریکا ایجاد همراهی در مسئله اسرائیل است که از سوی ایران هیچ نرمشی در این زمینه رخ نخواهد داد. از این رو به نظر نمی‌آید هر رئیس‌جمهوری در ایالات متحده در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ پیروز شود تغییری در مسائل اصلی و مهم محل چالش ایران و آمریکا ایجاد شود. فراموش نکنیم که تحریم‌های جدی علیه ایران را که با تحریم‌های بانکی شروع شد و بعد دامنه وسیع‌تری از فضای اقتصادی ایران را در بر گرفت و روابط بازرگانی ایران با سراسر دنیا را تحت تأثیر قرار داد در زمان آقای اواما تصویب و اجرا شد. یعنی حتی امضای برجام هم در زمان اواما منجر به بهبود روابط ایران نشد و چه تحریم‌هایی که از سوی آمریکا علیه ایران اجرانی شد و چه تصمیم‌هایی که در ایران علیه ایالات متحده گرفته شد و حتی ورود کالاهای آمریکایی به ایران ممنوع شد. آنچه ترامپ انجام داد تنها تشدید تحریم‌هایی بود که در زمان اواما صورت گرفته بود؛ بنابراین آمدن جو بایدن به جای ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ هم ممکن نیست منجر به تغییرات مهمی در فضای ایران و آمریکا شود. تنها چیزی که ممکن است از برنده‌شدن بایدن در فضای روابط ایران و آمریکا تغییریاتی ایجاد کند، بازگشت ایالات متحده به برجام است. بازگشت به برجام ممکن است منجر به مذاکراتی در همان سطح شود، ولی از آنجایی که یک بار تجربه‌اش را داریم، می‌دانیم که مذاکرات و تحولات از سطح برجام که پیش‌تر تجربه کرده بودیم بالاتر نمی‌رود.

### روز هفتم

## روزی که فراموش نشد

### گیسو فغفوری

خسته شده‌اند از بس حرف‌ها زده می‌شود و شنیده نمی‌شود و از بس مسائل مهم‌تر از هنر و سینما وجود دارد. خانه سینما که به‌عنوان تنها صنف سینمایی شناخته می‌شود هم آن‌قدر مشغول درگیری‌های داخلی بود که اصلا فراموش کرد که می‌تواند از این فرصت استفاده کند تا یادی از سینما بکند و به آن توجه کند. همه‌چیز را می‌توان گردن کرونا اندخت، چه ورشکستی سینماها و چه بی‌کاری کارگران سینما را. می‌توان بی‌خبری و ساخته‌نشدن فیلم را هم بر گردن کرونا انداخت. می‌توان ارکان‌هایی اندک و کم‌رونق را هم بر عهده کرونا گذاشت. اما سؤال این است که چطور می‌شود که حتی روز ملی سینما هم از یاد همه رفته است. در سال ۹۰ و روزگاری که بین مسئولان و سینماگران به اوج رسیده بود، همه سینماگران به‌نوعی درصدد بودند تا اهمیت سینما را یادآوری کنند. حتی اگر نهایت تلاششان تجمیع و اعتراض به بستن خانه سینما بود. در این سال‌ها بارها شده است که جشن سینمای ایران با کم‌رونقی برگزار شود؛ اما این شکل ناامیدی و بی‌بسی‌وحالی در هیچ تاریخی این چنین سابقه نداشته است. اینکه چگونه همه این‌قدر خموده و غمگین شده‌اند و... حتما دلایل زیادی دارد از جمله نگرانی، بی‌پولی، فقر، ناامیدی یا حتی دعوای بین اهالی سینما تا تغییر روند حضور افراد علاقه‌مند در حوزه سینما که شایبه‌های پول‌شویی را ممکن می‌کند. وقتی تعداد کسانی که دلشان برای سینما می‌سوزد، کم شود، نمی‌توان انتظاری برای به‌یادداشتن ارج و قرب سینما داشت. وقتی عشق به سینما فراموش می‌شود و

روز ملی سینما در سالی که کرونا سبب شد بیشتر سالن‌های سینما خالی باشد و مردم در خانه با کمک اکران آنلاین اندکی از سینما یاد کنند، پشت سر گذاشته شد. چرا هیچ‌سک یاد روز سینما نبود؟ چرا این اتفاق افتاد؟ چرا مسئولان سازمان سینمایی حواستان نبود که یادکردن از ۱۲۰سالگی سینما می‌تواند سبب شود اندکی رونق به سینمای ایران بیاید؟ حتی مثل همیشه رسانه‌ها پر نشد از غرها و ناامیدی‌ها. انکار همه

### پیشخوان

پنجره‌ها از دغدغه‌های پایان‌پذیر درباره حل مسائل خود گفته‌اند. در این میان موضوع مهم نیاز به ادبیات در گفت‌وگو با حسین سنائپور و همچنین مقاله دکتر محسن گودرزی با عنوان جامعه شرکتی که به تحلیل به زیر کشیده شد، با عنوان مجموعه رمان‌های این نویسنده معاصر ایران پرداخته قابل‌توجه است. داستان‌هایی از ایزاک باشویس سینگر و هاروکی موراکامی و کورت ونه‌گات را در این شماره می‌توان خواند. سینمای متاخر سیاهپوستان، بقای هنرمندان در دوران همه‌گیری جهانی و سرنوشت مجسمه‌های ایرانی دیگر مقالات خواندنی این شماره نشریه است که در ۱۱۲ صفحه منتشر شده است.

### رسانه

### غیبت مردم دور از مرکز در مطبوعات سراسری



پژمان موسوی

• تقریبا روزی نیست که در فضای مجازی، موضوع با دغدغه‌ای با خواستگاه محلی برجسته نشود؛ یک روز جغرافیای دغدغه سیستان‌وبلوچستان است، روز دیگر خوزستان، یک روز خراسان جنوبی و کهگیلویه‌وبویراحمد و دیگر روز ایلام و لرستان و چهارمحال‌وبختیاری. گاه این برجسته‌شدن از سوی مدیران و مسئولان محلی جدی گرفته شده و موضوع حل‌وفصل می‌شود و گاه با برجسب جنجال‌آفرینی و تشویش اذهان عمومی، موضوع مطروحه با وجود صحت نتهتها با بی‌تفاوتی مواجه که با مطرح‌کنندگان نیز برخورد‌های قانونی و فراقانونی می‌شود. فارغ از انگیزه‌های احتمالی برخوردکنندگان به نظر می‌رسد ریشه برخی از این برخوردها و بی‌تفاوتی‌ها، بی‌توجهی رسانه‌های رسمی ازجمله روزنامه‌های سراسری به طرح مسائل، مشکلات و دغدغه‌های اهالی دور از مرکز و بدبینی ذاتی برخی به فضاسازی‌های فضای مجازی است؛ یک بی‌توجهی تمام‌عیار از سوی کسانی که باید تمام هم‌وغم‌شان توجه به مسائل و دغدغه‌های مردم باشد. موضوع ساده است، وقتی روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران مسائل و دغدغه‌های مردم را در اولویت کار خود قرار نمی‌دهند و بی‌توجه از کنار بسیاری از آنها می‌گذرند، طبیعی است که بخش زیادی از مدیران و مسئولان، با استاد به غیررسمی‌بودن فضای مجازی و ادعای فریب‌خوردگی فعالان آن، اساسا دغدغه‌های عینی و واقعی را هم به کناری می‌نهند و مردم می‌مانند و کوهی از مشکلات واقعی.

شاید باورش برای بسیاری از پایتخت‌نشینان که اصولا جنس دغدغه‌هایشان بسیار متفاوت از سایر نقاط کشور است، سخت باشد. اینکه بدانند مردم شهرستان‌ها به‌ویژه شهرهای کوچک و روستاها، با چه مسائل به‌ظاهر پیش‌افتاده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ مسائلی که با وجود اهمیت و پیش‌افتادگی، کاملا از مدار توجه روزنامه‌نگاران و روزنامه‌های سراسری به دور هستند و معلوم نیست اگر روزنامه‌هایی که ادعای کثیرالانتشار دارند، نخواهند صدای همه مردم ایران باشند، اساسا برای چه منتشر می‌شوند.

روزنامه برای مردم منتشر می‌شود، در این تردیدی نیست اما چگونه است که بخش زیادی از مسائل و مشکلات مردم به‌ویژه آنها که دور از مرکز زندگی می‌کنند، اساسا هیچ‌گاه «سوزه» روزنامه‌نگاران نمی‌شوند؟ چرا روزنامه‌ها این مسائل و مشکلات را بررنگ نمی‌کنند تا صدای مردم را به گوش تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان ملی برسانند؟ مگر مخاطب نباید خود و مسائلش را در روزنامه‌ها ببیند؟ مگر می‌توان مخاطب و دغدغه‌هایش را ندید و از دوری مردم و قهرشان با مطبوعات شکایت کرد؟ مگر ایران محدود به تهران و چند شهر بزرگ و کوچک است؟ مگر مسائل مردم فقط انتخابات و احزاب و اظهارنظر فلان فعال سیاسی و اجتماعی است؟

آیا تاکنون با خود فکر کرده‌ایم مسائلی که ما در صفحاتمان به‌عنوان خبرنگار و دبیر و سردبیر بازتاب می‌دهیم، مسئله چند درصد مردم ایران است؟ بخشی از مشکل، بی‌حس‌پشت‌میزنشینی و سوزه‌یابی براساس اخبار و اطلاعات خبرنگاری‌ها و سایت‌های خبری است اما مشکل بزرگ‌تر، بی‌تفاوتی بخش بزرگی از روزنامه‌نگاران به مسائل و دغدغه‌های به‌ظاهر کوچک اما درواقع مهم مردم دور از مرکز است؛ اینکه بسیاری از مسائل، با وجود اهمیت، بی‌اهمیت تلقی شده و هیچ‌گاه سوزه گزارش‌ها با گفت‌وگوهای جدی و چالشی قرار نمی‌گیرند. مطبوعات محلی هم با وجود تلاش فراوان آن‌قدر مشکل دارند که اساسا نمی‌توانند بازتاب کاملی از دغدغه‌های مردم شهر و دیارشان باشند؛ ضمن اینکه در این بحث، موضوع ضریب تأثیرگذاری است و تأثیری را که مطبوعات سراسری دارند، به‌هیچ‌روی مطبوعات استانی و شهرستانی ندارند؛ هم از این حیث که بسیاری از مطبوعات محلی اساسا به دست مدیران و تصمیم‌سازان ملی نمی‌رسند و هم اگر برسند، آن‌قدر مهم تلقی نمی‌شوند که از سوی آنها جدی گرفته شده و محل تصمیم‌گیری قرار گیرند.

همه این مسائل، یک معنا بیشتر ندارد؛ تغییر سازوکار فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران به قید فوریت و توجه تام و تمام آنها به مسائل واقعی مردم ایران در هرکجا که هستند و در هر شهر و روستایی که زندگی می‌کنند. باقی هرچه هست، نه وظیفه ذاتی و وظیفه عرضی مطبوعات است؛ وظیفه‌ای که به دلیل کارکرد معیوب نهادهای مدنی و احزاب در ایران، به غلط به گردن مطبوعات افتاده است.